

سال دوم – شماره شصت و پنجم

هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی

جمعه ۱۸ مرداد ۱۳۹۸ – ۹ اوت ۲۰۱۹

نمای نزدیک
آغاز بزرگ‌ترین جشنواره
بالون کانادا در مونترال

۱۷

پاتوق
لذت آب پر تقال زیر
گنبد نارنجی

۴۵

مدرسه
ماشین حساب
برای دانش‌آموزان

۴۱



نیما مشعوف، کاندیدای حزب نئودموکرات
در انتخابات سراسری کانادا

«فعالیت سیاسی»
در زن من است



www.medad.ca

مداد، مجله آنلاین مونتreal
هفته نامه اجتماعی، فرهنگی

شماره شصت و پنجم، جمعه ۱۸ مرداد ۱۳۹۸
۹ اوت ۲۰۱۹

«مداد» هفته نامه دیجیتالی است و چاپ نمی شود.
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی
ایمیل دریافت می کنند.
برای اشتراک اینجا کلیک کنید
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع
مجاز است.
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به
ایمیل زیر ارسال کنید.
«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده
آزاد است.
«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی های تجاری ندارد.

تلفن:

438 738 - 8068

آدرس:

3285 Cavendish blvd, #355 Montreal, QC H4B 2L9

ایمیل:

info@medad.ca

سردبیر:

شهرام یزدان پناه

تحریریه:

پوریا ناظمی، مهرنوش
اردلان یکتا، مریم ایرانی،
هدی حسینی،
زینب یوسف زاده، علی
زندیه وکیلی، پریسا
کوکلان، آزاده مقدم،
فرمهر امیردوست
صفحه آرا:
مانا نریمی



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می شوید بلکه
ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می سازید. پیشاپیش از شما
سپاس گزاریم. برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید.
ما فقط آگهی نمی فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می دهیم.

تلفن واحد آگهی ها:

514 916 - 0083

ایمیل:

ads@medad.ca

تحقق شغل رویایی شما با شرکت در یکی از دوره‌های تخصصی ما



- دوره استارتینگ بیزینس (۵ ماه)
- دوره فروش حرفه‌ای (۹ ماه)
- دوره نمایندگی فروش (۷ ماه)

دوره‌های رایگان

دوره‌های رایگان با امکان پرداخت
وام و بورس

تلفن:

۴۸۳۸ - ۵۱۳ ۵۱۴ (۵۱۴)

ثبت‌نام و مشاوره به زبان فارسی:

دوشنبه‌ها ساعت ۱۰ تا ۱۴ و چهارشنبه‌ها ساعت ۱۲ تا ۱۷

4055 St. Catherine west, #161, Montréal, QC

www.edudite.academy

دل شکسته‌ی یک خبرنگار

هفته گذشته و در حالی که طبق تقویم ایران در آستانه روز خبرنگار قرار داشتیم، جامعه کوچک ایرانیان مونترال شاهد خداحافظی یکی از خبرنگاران خوب خود با حرفه روزنامه‌نگاری شد.

مهديه مصطفایی سال‌ها پیش و قبل از اینکه «مداد» متولد شود، مدتی همکار من بود. انسانی پرانرژی، زنی سختکوش، همسر و مادری عاشق و روزنامه‌نگاری مثبت‌اندیش. از دل منفی‌ترین سوژه‌ها، نکته‌ای مثبت بیرون می‌کشید و دل شکستن در مرامش جایی نداشت. حالا این خبرنگار مونترالی به دلیلی که «مشکلات مالی» اعلام شده، از کار خود خداحافظی کرده و به دنبال کار دیگری است.

کامیونیتی ایرانیان مونترال علی‌رغم کوچک بودنش، پویا و پرتکاپو است. این کامیونیتی بی‌شک به خبرنگاران متعددی نیاز دارد. خبرنگارانی تیزهوش و تیزگوش که چشم و گوش فارسی‌زبانان مونترال باشند. اما خبرنگاران هم مثل بقیه اعضای جامعه، اجاره خانه دارند، غذا می‌خورند، لباس می‌پوشند، میهمانی می‌روند و میهمان خانه‌اشان می‌آید. همه اینها یعنی خبرنگاران هم خرج دارند، حقوق می‌خواهند و درآمد مشخص و ثابت ماهانه می‌خواهند. داریم از حداقل حقوق صحبت می‌کنیم و نه درآمد عالی و مزایای متعالی!

این یعنی، رسانه‌های مونترالی باید ضمن حفظ همه چهارچوب‌ها و اصول روزنامه‌نگاری مستقل، یک بنگاه مالی مستقل باشند، کسب‌وکار باشند و قواعد مالی بر آنها حکمفرما باشد.

کوتاه‌بینانه است اگر فکر کنیم رسانه‌ای که از نظر مالی تامین باشد حتما وابسته است یا به «منابع مالی غیرشفاف» وصل می‌شود. از آن بدتر بسیار نابخردانه است اگر این تصور را داشته باشیم که اداره یک رسانه به شکل کسب‌وکار مالی یعنی پشت کردن به جامعه و پرهیز از گفتن درد مردم و «کمک به جامعه».

وقتی در یک کامیونیتی کوچک، رسانه‌ای، اصول مالی بازار را رعایت نکند، فضای کسب‌وکار برای سایر رسانه‌ها نیز غیررقابتی و سخت می‌شود. این یعنی همان چیزی که الان مونترال شاهد آن است. خبرنگارانی که باید داوطلبانه کار کنند یا آنقدر برای گرفتن دستمزد خود التماس کنند تا خسته شده و با دنیای خبرنگاری خداحافظی کنند.

شهرزاد پناه



ICP IMMIGRATION

مهاجرت — به کانادا

514-778-9011

موبایل

514-289-9044

دفتر کانادا

514-289-9022

فاکس :

021-2289-4567

دفتر تهران :

تماس مستقیم از ایران : 021-8531-2878

برای ارزیابی رایگان کلیک کنید

معصومه علیمحمدی (بهیمانه)

عضو رسمی شورای مشاوران مهاجرت به کانادا

نادر خاکسار

مشاور املاک



اخذ وام برای مهاجرین با کمترین پیش پرداخت و بهره



514 969 2492

پریسا کوکلان

مونترال شهر زنده‌ای است. پایتخت فرهنگی آمریکای شمالی که سبک زندگی اروپایی آن زبانزد است. هر روز در این شهر اتفاقی فرهنگی و هنری می‌افتد که از روح چند فرهنگی شهر نشأت گرفته است. کنسرتی از هندوستان، تئاتری از فرانسه، نمایش فیلمی از روسیه و یک گالری از آمریکای جنوبی. با «ویترین» همراه شوید و رویدادهای فرهنگی-هنری مونترال را به سلیقه «مداد» تجربه نمایید.

رقص

آنکه حرکت خواهد کرد

QUI BOUGERA

جمعه ۱۶ اوت ساعت ۱۹

محل نمایش:

Centre culturel de Notre-Dame-de-Grâce

اطلاعات بلیت:

این نمایش رقابتی است میان رقصنده‌های جوانی که باهم بر روی صحنه مسابقه می‌دهند. از رقص معاصر تا رقص کلاسیک، این رقصنده‌ها هر کدام سبک متفاوتی دارد. از ویژگی‌های خاص این نمایش که کاملاً به شکل بداهه اجرا می‌شود این است که هنرمندان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای در کنار یکدیگر برنامه اجرا می‌کنند. به این نوع نمایش در دنیا Dance Battles یا جنگ رقص گفته می‌شود.

بنگدی

BENKADI

جمعه ۱۶ اوت ساعت ۱۹

اجرای خیابانی موسیقی، ورودی رایگان
محل اجرا :

Parc Armand-Bombardier

گروه موسیقی بنگدی سنن آفریقایی را با نوای موسیقی خود زنده می‌کند. شور ساز، نوازندگان، خوانندگان، رقصندگان و هنرمندان آکروبات گروه بر روی صحنه تماشاگر را به هیجان می‌آورد. این گروه اهل گینه و واژه‌ی بنگدی به معنی «قوی‌تر بودن در کنار هم» است.





فیلم

لئو داوینچی، عملیات مونا لیزا

LEO DA VINCI : MISSION MONA LISA

چهارشنبه ۱۴ اوت ساعت ۲۰:۳۰
نمایش خیابانی فیلم، رایگان
محل نمایش :

Parc Delorme

لئو داوینچی یک مخترع جوان است که در اواخر قرون وسطی در ایتالیا در کنار دوستانش لورنزو و لیزای زیبا زندگی می‌کند. یک اتفاق بد باعث می‌شود تا لئو به همراه دوستانش به سفری در مسیر دزدان دریایی برود. آن‌ها می‌خواهند گنج غرق‌شده‌ای را پیدا کنند.

کودکی که خواست پادشاه باشد

L'ENFANT QUI VOULUT ÊTRE ROI

شنبه ۱۷ اوت ساعت ۲۰

نمایش خیابانی فیلم، رایگان

محل نمایش:

Parc Painter

جادوی قدیمی سالهای دور در دنیای مدرن امروزی
جان تازه‌ای می‌گیرد. پسر جوانی شمشیر پادشاه آرتور،
«اکسکالیبور» را به شکلی اتفاقی پیدا می‌کند. او از طرف
مرلن Merlin جادوگر مأموریت پیدا می‌کند تا از انگلستان
محافظت کند.



فیلم



Clinique Médico-Esthétique

Royal Derma

روپال درما



پوستی شاداب
با طراوت طبیعی

Roya Pirkhandan

Esthéticienne et
Thecnicin de
photoépilation,
photorajeunissement,
Électrolyse et
Thermocoagulation.

مشاوره رایگان
در کلینیک روپال درما

ارایه کلیه مراقبت های زیبایی مدیکال شامل:

- ✓ مراقبت های تخصصی پوست
- ✓ رفع دائمی موهای زاید (الکترولیز، لیزر)
- ✓ اصلاح و درمان لکه های پوستی، ضایعات عروقی
- ✓ جوان سازی و رفع چین و چروک با لیزر

TEL: 438 388 - 8600

www.cliniqueroyalderma.ca

information@cliniqueroyalderma.ca

3020, boul Rome, local 4, Brossard, J4Y 1V9

نگرانی‌های جدی از هجوم شهروندان آمریکایی به بازار داروی کانادا

قوانین جدید در ایالات متحده که امکان واردات داروی ارزان از کانادا به این کشور را فراهم می‌سازد، موجی از نگرانی را در میان فعالان حوزه سلامت در کانادا ایجاد کرده است.

در نامه‌ای که ۱۵ انجمن مختلف (اعم از بیماران، پزشکان، بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها) به وزیر بهداشت کانادا نوشته‌اند، نسبت به مشکلاتی که ممکن است ادامه روند کنونی به همراه داشته باشد هشدار داده شده است. در این نامه آمده است: «داروی عرضه شده در کانادا کفاف نیازهای کانادا به همراه مشتریان آمریکایی را نمی‌دهد. عرضه دارو در کانادا به قدری نیست که بتواند جوابگوی این میزان از تقاضا در بازار باشد.»

برخی از ایالت‌های آمریکا که با موجی از خشم مردم به خاطر افزایش قیمت داروها روبرو شده‌اند، قوانینی را تصویب کرده‌اند که به شهروندان خود امکان وارد کردن دارو از همسایه شمالی یعنی کانادا را می‌دهد. در نامه سرگشاده این ۱۸ انجمن آمده که این قوانین می‌تواند سبب تشدید کمبود برخی داروها در کانادا شده و یک نگرانی جدی در نظام سلامت این کشور در سال جاری ایجاد کند.

در بخشی دیگر از این نامه به این موضوع اشاره شده که بیمارستان‌ها و داروخانه‌های کانادا برای تامین تقاضای کشوری که جمعیتی به مراتب بیشتر از کانادا دارد هیچ برنامه‌ای ندارند و ادامه روند فعلی می‌تواند به کاهش دسترسی شهروندان کانادایی به دارو و یا مشکل در کیفیت این امر بیانجامد.

از سوی دیگر، سخنگوی وزیر بهداشت کانادا نیز اعلام کرد که دولت فدرال با هر برنامه‌ای که تاثیری منفی بر عرضه دارو و یا قیمت آن داشته باشد به شدت مخالف است. او در ادامه گفت که دولت به تلاش برای کاهش قیمت داروها برای کانادایی‌ها و اطمینان از دسترسی بی‌دردسر آنها به داروهای مورد نیاز ادامه می‌دهد.



اما در آن سوی مرزها نیز این مساله بسیار مورد توجه قرار گرفته است. سناتور برنی ساندروز (کاندیدای حزب دموکرات ایالت متحده در انتخابات ریاست جمهوری) اعلام کرد که همراه آن دسته از بیماران دیابتی که این آخر هفته برای خرید انسولین به کانادا می‌روند خواهد بود. گفتنی است قیمت انسولین در کانادا یک دهم قیمت آن در ایالات متحده است. ماه گذشته نیز یک گروه از بیماران دیابتی نوع ۱ از مینه‌سوتا وارد کانادا شدند و در لندن (در استان انتاریو) به خرید انسولین پرداختند. یکی از این افراد اعلام کرد که افزایش شدید قیمت در ایالات متحده چاره‌ای جز این برای آنها نگذاشته است، زیرا در غیر این صورت، با پیامدهایی جدی در سلامت خود روبرو می‌شوند.

اما این طور نیست که کانادا با هیچ مشکلی در زمینه کمبود دارو روبرو نباشد. در سال‌های اخیر، شرکت‌های داروسازی مانادا اعلام کردند که در زمینه تامین هزاران مورد دارو با مشکل روبرو هستند که البته دلیل آن نیز معمولاً مشکلات در زمینه تولید بوده است. با این وجود، سیل تقاضای وارد شده از همسایه جنوبی می‌تواند وضعیت را به مراتب بدتر کند.

جالب است بدانید بیش از ۲۷ قانون طی سال گذشته در کنگره ایالات متحده و یا ایالت‌های مختلف آن تصویب شده که به آمریکایی‌ها اجازه خرید دارو از منابع کانادایی را می‌دهد. در بخشی از نامه ۱۵ تشکل حوزه سلامت به وزیر بهداشت آمده است: «ما از وزارت سلامت می‌خواهیم شفافیت و اطمینان‌خاطر را به کانادایی‌ها بدهد که قوانین مرتبط در ایالات متحده خللی در عرضه محصولات دارویی در کانادا ایجاد نکرده و سبب ایجاد کمبود دارو و تاثیر منفی بر بیماران نمی‌شود.»

در این میان، برخی از کارشناسان ابراز نگرانی کرده‌اند که ادامه روند کنونی و کمبود هر چه بیشتر دارو ممکن است سبب شود آمریکایی‌ها و کانادایی‌ها برای تامین داروهای مورد نیاز خود دست به دامن وبسایت‌های غیرمجاز ببرند که این امر ممکن است به خرید داروهای با استاندارد پایین و یا حتی تقلبی بیانجامد.



دست کشیدن لیبرال‌های از تاکید بر تنوع فرهنگی در جامعه؟

رهبر شاخه جوانان حزب لیبرال در کبک پیشنهاد کرده که این حزب باید از تاکید بر جامعه چندفرهنگی دست کشیده و در مقابل، بیشتر به فکر اکثریت فرانسه‌زبان این استان باشد.

حزب لیبرال که یکی از دو حزب اصلی کشور است، همواره رویکردی باز در قبال مهاجران، تنوع فرهنگی و قومی و جامعه غیریکدست داشته است. این رویکرد شاید برای بسیاری از مهاجران که خواستار حمایت‌های دولت و ساختارهای قانونی برای زندگی بهتر هستند بسیار خوشایند باشد. با این وجود، به نظر می‌رسد که چنین رویکردی در کبک، چندان برای اکثریت شهروندان فرانسه‌زبان خوشایند نباشد و حتی به اقبال آنها به احزاب رقیب بیانجامد.

به گزارش مونترال‌گرت، استفان استریل (رهبر شاخه جوانان حزب لیبرال کبک) در کنفرانسی رسانه‌ای به بیان پیشنهادات این شاخه درباره سیاست‌های آینده سیاسی حزب لیبرال پرداخت. آقای استریل اعلام کرده در بسته پیشنهادی، از حزب لیبرال خواسته شده که از تاکید همیشگی‌اش بر جامعه چندفرهنگی دست کشیده و در مقابل، به موضوعاتی که بیشتر برای اکثریت فرانسه‌زبان این استان جذابیت دارد بپردازد. از نظر او، موضوعاتی مربوط به محیط زیست و گرمایش جهانی برای این اکثریت به مراتب جذاب‌تر است. او با اشاره به شکست حزب لیبرال در سال ۲۰۱۸ که در نهایت به روی کار آمدن دولت ائتلاف کبک آینده (به رهبری فرانسوا لوگو) انجامید گفته که لیبرال‌ها باید پیشروتر و ملی‌گرایانه‌تر عمل کرده و نقش کبک در کشور را پررنگ‌تر از گذشته نشان دهند.

شاخه جوانان حزب لیبرال می‌گوید به جای تاکید بر زندگی مسالمت‌آمیز افراد با پس‌زمینه‌های قومی، ملی و مذهبی متفاوت، تازه‌واردان به کبک باید به پیروی از اصول جاافتاده و سبک زندگی این استان سوق داده شوند. از نظر آقای استریل، یادگیری زبان فرانسه توسط مهاجران و نیز تعامل فعال با اکثریت فرانسه‌زبان، از جمله مواردی است که می‌تواند در رسیدن به این هدف سودمند باشد و حزب لیبرال باید تاکید بیشتری روی آنها داشته باشد.

البته هنوز مشخص نیست که آیا حزب لیبرال حاضر است برای جلب حمایت اکثریت فرانسه‌زبان در کبک، چنین تغییراتی را در مسیر حرکتش اعمال کند یا خیر.



بازپرداخت «هزینه بررسی پرونده» به صاحبان پرونده‌های کنسل شده مهاجرت

معصومه علی محمدی اداره مهاجرت کبک عملیات بازپرداخت هزینه‌های بررسی پرونده را برای ۱۸ هزار پرونده باطل‌شده متخصصین، آغاز کرد.

فرم آنلاین درخواست بازپرداخت فعال است و حالا آن دسته از متقاضیانی که پرونده مهاجرتی آنها طبق برنامه جدید مهاجرتی کبکی کنسل شده است، می‌توانند درخواست بازپرداخت پول خود را به اداره مهاجرت کبک ارسال کنند.

بدینوسیله آن دسته از متخصصانی که قانون شانزدهم ژوئن ۲۰۱۹ باعث لغو پرونده‌های مهاجرتی آنها شده، می‌توانند برای بازپس گرفتن هزینه‌هایی که پرداخت کرده‌اند، درخواست رسمی خود را به اداره مهاجرت کبک ارسال کنند.

هم اکنون فرم آنلاین مطالبه باز پرداخت هزینه‌های پرداختی در دسترس است. ابتدا به فرم آنلاین در وبسایت اداره مهاجرت مراجعه نمایید. سپس با تکمیل اطلاعات و ارسال مدارک مورد درخواست به صورت آنلاین، پروسه استرداد وجه پرداختی آغاز خواهد شد.



اما آن دسته از متقاضیان ایرانی که ساکن ایران هستند و درخواست مهاجرت آنها در اثر برنامه جدید مهاجرتی کبک لغو شده، به علت تحریم سیستم بانکی ایران برای بازپس گرفتن پول خود دچار مشکل هستند. هنوز مشخص نیست که این مبالغ به چه صورتی به متقاضیان ایرانی بازپرداخت خواهد شد.

اداره مهاجرت کبک تاکید زیادی بر واریز مستقیم وجوه به حساب متقاضی دارد. حال آنکه این امر حداقل برای متقاضیان ایرانی که هم اکنون در ایران سکونت دارند، امکان‌پذیر نیست. موضوع، تحریم سیستم بانکی ایران است که باعث می‌شود نه بتوان پولی به حساب بانکی ایرانیان واریز کرد و نه بتوان چکی به نام آنها ارسال نمود.

بنابراین حتی در صورتی که اداره مهاجرت کبک مبلغ قابل استرداد را به صورت چک بانکی پرداخت کند، هنوز برای متقاضیان ایرانی، نقد کردن چک ارزی در بانک‌های ایران میسر نیست. در حال حاضر شاید بهترین راه حل معرفی یک نماینده یا وکیل در خارج از ایران باشد اما فعلا این روش مورد تایید اداره مهاجرت کبک نیست.

خبرهایی به گوش رسیده که گویا وکلا و مشاورین رسمی مهاجرت، به نیابت از طرف موکلین ایرانی خود تلاش‌هایی را برای ارتباط با اداره مهاجرت کبک آغاز کرده‌اند تا راه‌حلی برای موکلین ایرانی خود پیدا کنند.

چه هزینه‌هایی بازپرداخت می‌شود

اداره مهاجرت کبک کل هزینه پرداخت شده برای بررسی پرونده را بر اساس جدول هزینه‌های این اداره، مسترد خواهد نمود. اما هیچکدام از هزینه‌های مربوط به آماده‌سازی پرونده شامل مدارک، کلاس‌ها و امتحانات زبان، ترجمه و وکالت برعهده اداره مهاجرت نخواهد بود.

به متقاضیانی که مایل به بازگشایی پروفایل خود در سیستم «آریما» هستند توصیه شده فرم درخواست استرداد وجه را تکمیل نکنند. چراکه این وجه می‌تواند برای هزینه بررسی فایل در صورت اخذ دعوتنامه از سیستم آریما، مورد استفاده قرار گیرد.

این مطلب با حمایت ICP Immigration تهیه شده است.

آغاز بزرگ‌ترین جشنواره بالون کانادا در مونتreal

شنبه (۱۰ آگوست)، مونتreal میزان جشنواره بین‌المللی بالون سن ژان سو رشیولیو خواهد بود.

بالون از جمله چیزهایی است که نه تنها برای بچه‌ها، بلکه برای بسیاری از بزرگ‌ترها هم جذابیت‌های زیادی دارد. اگر تابه‌حال تجربه بالون‌سواری را ندارید، بزرگ‌ترین جشنواره بالون کانادا که قرار است از پایان این هفته در مونتreal آغاز شود را از دست ندهید.

در جشنواره بین‌المللی سن ژان سو رشیولیو (International Balloon Festival of Saint-Jean-sur-Richelieu) قرار است بیش از ۱۰۰ بالون رنگارنگ حضور داشته باشند.

پیش‌بینی می‌شود حدود ۳۵۰ هزار نفر در این برنامه شرکت کنند. البته همه تدابیر برای برگزاری هر چه بهتر این برنامه اندیشیده شده است. برای نمونه، اصلاً لازم نیست نگران غذا باشید، زیرا رستوران‌هایی در اطراف محل برگزاری در حال استقرار هستند.



همچنین برنامه‌های متنوع دیگری نیز در این جشنواره در نظر گرفته شده است که برای نمونه می‌توان به ۲۰ اجرای موسیقی اشاره کرد. اکنون، شان کینگستون و فافا خان از جمله معروف‌ترین خوانندگانی هستند که در این جشنواره حضور خواهند داشت. یکی از جذابیت‌های این جشنواره، بخشی است که «درخشش شب» (Night Glow) نام دارد. در این بخش، درون بالون‌های بسته شده به زمین با گاز روشن شده و تصویری شبیه فانوس‌های چینی را رقم می‌زنند. این بخش فقط در روزهای ۱۱، ۱۳، ۱۶ و ۱۷ برقرار است.

اگر قصد حضور در این جشنواره را دارید، بد نیست بدانید بلیت زودهنگام آن ۵۵ دلار است، ولی قیمت آن از افتتاح برنامه به ۸۰ دلار خواهد رسید. این جشنواره از روز ۱۰ تا ۱۸ آگوست برگزار خواهد شد.

تاریخ: ۱۰ تا ۱۸ آگوست

هزینه ورودی: ۶۵ دلار (بلیت زودهنگام) و ۸۰ دلار (بلیت عادی)

نشانی:

5 Chemin de l'Aéroport, Saint-Jean-sur-Richelieu





دارالترجمه رسمی فرهنگ

ترجمه رسمی کلیه اسناد و مدارک
گواهی امضا و کپی برابر اصل
ترجمه شفاهی در محاکم و ادارات
تکمیل فرمهای مختلف
اخذ ویزای توریستی

Downtown

1650, Maisonneuve West, #202,
H3H 2P3 - Montréal, Québec, Canada
Tel : +1-514 691 4383
Toll free from Iran: (021)-853 128 32
Emil: r.davoudi@farhang.ca

NDG

3285 Cavendish Blvd, #355
Montreal Quebec, H4B 2L9
Tel : +1-514 916 0083

IRAN

تهران، کارگر شمالی، تقاطع بلوار کشاورز،
نبش کوچه گیتی، پلاک ۱۱۷۲، طبقه ۲، واحد ۲
Tel : +98- 21 6642 1511 / 6694 8154
Emil: h.davoudi@farhang.ca

طراحی: آتلیه گرافیک مانا ۳۷۴۶-۸۳۴-۵۱۴

نیما مشعوف، کاندیدای حزب نئودموکرات
کانادا در انتخابات سراسری کانادا

«فعالیت سیاسی» در زن من است





شهرام یزدان پناه

وقتی قرار شد با هم گفتگو کنیم، پارک لافوتتن در قلب محله پلاتو را انتخاب کرد. همان محله‌ای که از آنجا خود را کاندیدای چهل و سومین دوره انتخابات سراسری کانادا کرده است. در فعالیتهای اجتماعی فعال است و بارها او را در برنامه‌های رقص گروه سیم‌رغ یا مدرسه دهخدا دیده‌ام. همسر امیرخدیج، سیاستمدار سابق کبکی است اما نیما مشعوف خودش حرف برای زدن، فراوان دارد.

متولد فرانسه است. حدود یک سال و نیم داشته که پدر و مادرش به عنوان دانشجوی به کانادا آمدند. هشت ساله بوده که درس پدر و مادر تمام شده و به ایران بازگشته تا اینکه در هجده سالگی به دلیل فعالیتهای سیاسی مجبور به ترک زادگاه می‌شود. به خاطر فعالیتهای سیاسی از مدرسه اخراج شده و سه بار هم دستگیر شده بود. پدرش هم دستگیر شده بود. چون پزشک بوده و نسخه پدر را در جیب یکی از کسانی که در جنگ خیابانی با دولت ایران کشته شده بود، پیدا کردند. سال ۱۹۸۳ و در ابتدای جوانی دوباره به کانادا بازگشت. درحالیکه از لو رفتن سنش خنده‌اش گرفته، می‌گوید:

این یعنی من الان ۳۵ سال می‌شود که ساکن کانادا هستم. اما قیافه‌اش اصلاً به اینکه از لو رفتن سن بترسد، نمی‌خورد. ساده اما جدی با چشمانی که موقع صحبت کردن از آمال و برنامه‌ها برق می‌زند. خنده از لبانش پاک نمی‌شود و از هر موضوع کوچکی جوک می‌سازد حتی از کرم کوچکی که روی میز چوبی ما در وسط پارک لافوتتن گم شده بود. کرمی که نیما به طبیعت بازگرداند تا زندگی شادتری را تجربه کند.

در حالی که نسیم نسبتاً خنک صبحگاهی و آفتاب داغ تابستانی مشغول کلنجار رفتن با هم هستند، گفتگو با نیما را با یک سؤال از گذشته شروع می‌کنم.

در ایران فعالیت سیاسی شما متمایل به چه حزب و گروهی بود؟
متمایل به چپ و فعالیت دانشجویی داشتم.

زندگی در کانادا چگونه آغاز شد؟

درس و دانشگاه... ابتدا کالج بعد دانشکده پزشکی اما در دانشگاه چون درس نمی‌خواندم رفوزه شدم. البته درس خیلی خوب بود و همین موضوع هم باعث شکست من در پزشکی شد. چون درس خوب بود، سرکلاس گوش می‌دادم و می‌رفتم سر جلسه امتحان. قبل از دانشگاه و در دبیرستان این روش خیلی خوب بود اما در دانشکده پزشکی اصلاً کارایی نداشت. بعد رفتم فیزیک خواندن اما علاقه من به پزشکی من را به تحصیل در پرستاری کشاند. وارد رشته پرستاری شدم تا بعد از این رشته دوباره وارد رشته پزشکی شوم. در این فاصله یعنی بعد از سال اول دانشگاه پرستاری، ازدوج هم کردم. در آن دوران من و همسر (امیر خدیر) هر سال به کشوری مسافرت می‌کردیم تا هم کارآموزی کرده باشیم و هم کسب تجربه و هم خدمت یه دیگران. یک سال تایلستان به نیکاراگوئه رفتیم و در یک درمانگاه کار کردیم سال بعد به زیمباوه در کشور آفریقا رفتیم یک مدت در درمانگاه کار کردیم. من سال دوم پرستاری بودم که در حین یکی از همین سفرهای کارآموزی با پزشکی کلمبیایی آشنا شدم که کار بهداشت بین‌الملل انجام می‌داد و من به این کار علاقمند شدم. وقتی رشته پرستاری را تمام کردم، به جای پزشکی برای فوق‌لیسانس و دکتری در زمینه بهداشت عمومی درخواست دادم و تحصیل کردم. تخصص من در زمینه بهداشت بین‌الملل و اپیدیمولوژی است. بنابراین در نهایت وقتی درس من تمام شد، من درست لب مرز پزشکی و فیزیک قرار گرفته بودم یعنی همان دو رشته‌ای که از ابتدا به آن‌ها علاقه داشتم.

و در حین دستیابی به این موفقیت، خانواده هم تشکیل دادید.

بله، گفتم که وقتی پرستاری می‌خواندم ازدواج کردم. وقتی مدرک پرستاری را گرفتم، دختر اولم به دنیا آمد. وقتی برای فوق‌لیسانس بهداشت عمومی درس می‌خواندم دختر دومم به دنیا آمد و وقتی پروژه دکتری را تکمیل می‌کردم، دختر سومم به دنیا آمد. به این ترتیب من با هر مدرک تحصیلی یک کودک به دنیا آوردم.



همسر شما آقای امیر خدیر یک سیاستمدار کبکی بودند و قبل از نماینده مجلس شدن، یک فعال اجتماعی چپ‌گرا، شما هم خودتان فعالیت سیاسی می‌کردید، پدر و مادر شما را نمی‌دانم ولی پدر و مادر آقای خدیر هم سیاسی هستند، دخترهای شما هم سیاسی هستند و در مونترال فعالیت کردند و یکی دو بار هم دستگیر شدند. چرا؟

پدر و مادر من هم جزء بچه‌های کنفدراسیون دانشجویان علیه شاه بودند، فعالیت سیاسی جزء ژن خانوادگی ما شده است. می‌دانید چرا؟ بخاطر اینکه نهایتاً پدر و مادر ما هستند که به ما یاد دادند که آدم باید یک تاثیری در اجتماع داشته باشد. ما فقط خودمان نیستیم. ما در یک اجتماع زندگی می‌کنیم و در نهایت روزی که از دنیا رفتیم باید بتوانیم بگوییم که ما یک ردپای مثبتی در این جامعه گذاشتیم و برای اینکه فکر می‌کنید یک چیزهایی هست که اعتقاد داریم باید تغییر بکند باید پا پیش بگذاریم و این تغییر را اعمال کنیم. نباید فقط صبر کنیم و غر بزنین. طبعاً با این روش فکری آدم به کار سیاسی کشیده می‌شود. چون اینجاست که تغییرات انجام می‌شود.

پس در واقع سیاست برای شما یک شغل نیست؟

نه اصلاً، هم من و هم امیر همیشه همان طوری که شما گفتید اکتیویست بودیم یعنی مبارز بودیم در نهادهای اجتماعی در نهادهای دانشجویی در نهادهای صنفی و نهادهای فرهنگی فعالیت کردیم و همه اینها برای اول آگاه کردن مردم بوده، دوم برای سود مردم و سوم برای درخواست‌هایی از سیاستمداران مثلاً در زمینه محیط‌زیست در فرهنگ در زمینه شرایط کاری در زمینه حقوق زنان در زمینه حقوق کارگران، در همه این زمینه‌ها. بنابراین از مبارزات شهری و اجتماعی شروع کردیم چون اعتقاد داشتیم یک روزی آدم به این نتیجه می‌رسد که می‌خواهیم مبارزاتی که سال‌ها انجام دادیم یک روزی قانون شود و آن قانون قبلی تغییر کند. این یعنی باید برویم به جایی که قانون تصویب می‌شود. از این طریق بود که ما به سیاست رسیدیم و سیاست هم حرفه ما نخواهد بود. امیر (خدیر) در مجلس کبک به مدت ده سال خدمت کرد و بعد از ده سال گفت: افراد دیگر (جوانان) هم هستند. کنار می‌کشم و برمی‌گردم به حرفه خودم (پزشکی). کاری را که می‌خواست (در عرصه سیاسی) راه‌اندازی کند، راه انداخت و سپرد به دیگران (و تازه نفس‌ها).

گفتید که افکار چپ دارید. چپ امروز در ایران متفاوت است در آنچه که دنیا از چپ می‌شناسد. چپ بودن یعنی چه؟ چه تحولی می‌خواهید در جامعه ایجاد کنید؟

طیف افکار چپ خیلی وسیع است همانطور که طیف افکار راست هم خیلی وسیع است. وقتی می‌گوییم که افکار چپ داریم یعنی اعتقاد داریم که ثروت باید تقسیم شود و این اصل چپگرایی است. من کانادا را مثال می‌زنم



چون ایران یک مشکل اضافه به دلیل دیکتاتوری مذهبی دارد که معادلات را عوض می‌کند. اگر کانادا را در نظر بگیریم، معتقدیم که کشور ثروتمند است و دلیلی ندارد که افراد از اختلاف طبقاتی خیلی زیادی برخوردار باشند. بنابراین باید تقسیم ثروت صورت بگیرد. خوشبختانه وقتی کانادا را با کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم، کشوری است که اختلاف طبقاتی در آن خیلی زیاد نیست و به همین دلیل امنیت خیلی زیاد است. اگر ثروت تقسیم نشود، شما امنیت ندارید، شما پول زیادی در جیب می‌گذارید ولی اطرافیان این پول و امکانات را ندارند. بنابراین شما همیشه باید مواظب باشید کسی پول شما را نذرزد. از آن طرف کسی که زیاد دارد، همیشه بیشتر می‌خواهد و زیاده‌خواه می‌شود. در صورتی که ما برای خوشبخت بودن به یک مقدار محدودی امکانات احتیاج داریم، به یک میزانی تحصیلات نیاز داریم، به یک شبکه اجتماعی نیاز داریم که دوستانی داشته باشیم و یک محیطی برای زندگی داشته باشیم و همه اینها یعنی اینکه شما باید امکانات را تقسیم کنید. بنابراین یک حزبی که دیدگاه چپ دارد اجباراً کمونیست نیست ولی می‌گوید که ثروت باید تاحدودی تقسیم شود و این یعنی باید سیستم مالیاتی قدرتمندی وجود داشته باشد تا با تقسیم ثروت، سیستم درمانی و مدرسه درست شود. حالا همه بچه‌ها اعم از بچه‌هایی که خانواده ثروتمند دارند یا فقیر، می‌توانند به مدرسه بروند و سالم زندگی کنند... در نهایت افکارچپ بدین گونه است که حقوق همه رعایت شود. این‌گونه نشود که بازار، مناسبات اجتماعی را کنترل کند. چون بازار منفعت خودش را می‌خواهد در صورتی که دولت منفعت ملت را می‌خواهد.

این روزها و به دلیل اوج گرفتن احزاب سوسیال دموکرات در آمریکا، این سوال خیلی پرسیده می‌شود که کدام کشور سوسیال دموکراتی با افکار چپ در دنیا توانسته با این ایدئولوژی و ایده تقسیم ثروت موفق شود؟

کشورهای اسکاندیناوی، کشورهایی هستند که شاخص میزان خوشبختی در آن‌ها بالاتر از همه جای دنیا است. برای ارزیابی کشورها معیارهای مختلفی وجود دارد. یکی می‌تواند درآمد خالص یا ناخالص ملی باشد. یکی می‌تواند صادرات باشد و خیلی چیزهای دیگر، الان سازمان ملل علاوه بر معیارهای اقتصادی، معیارهای انسانی را هم در نظر گرفته است مثل میزان تقسیم ثروت، میزان آزادی افکار آزادی بیان و رعایت حقوق مردم. وقتی مجموع اینها را در نظر می‌گیریم یک بُعد جدیدی نسبت به توسعه پیدا می‌کنیم. توسعه یک ملت، فقط توسعه اقتصادی نیست بلکه توسعه اجتماعی هم هست. بنابراین شما اگر در نظر بگیرید کشورهایی که آرمان سوسیال دموکرات دارند به این مفهوم نیست که چون به بُعد انسانی توجه می‌کنند، اقتصاد را نادیده می‌گیرند. بلکه بُعد انسانی را هم در کنار اقتصاد نظر می‌گیرند و نهایتاً انسان‌ها آنجا خوشبخت‌تر هستند. وقتی در زمینه میزان خوشبختی دنیا آمار می‌گیرند، می‌بینیم که کشورهای اسکاندیناوی در صدر جدول هستند.



اما اگر بخواهیم به کشورهای سوسیالیسم (چپ‌گرا) نگاه دقیق‌تری بیندازیم، کشورهای شکسته‌خورده زیادی هم داریم. چه چیزی باعث می‌شود، وقتی دولت روی همه چیز از سیستم درمانی تا آموزش و غیره کنترل دارد، یک جایی اسکاندیناوی شود و یک جایی ونزوئلا؟ کانادای شما به کدام سمت متمایل است؟

به سمت اسکاندیناوی. کشورهایی مثل ونزوئلا و کوبا، کشورهای سوسیالیسم هستند یعنی اقتصاد سوسیالیسمی دارند. یعنی مالکیت خصوصی حداقلی و محدود. الان اگر بخواهیم در مورد موفقیت و عدم موفقیت این کشورها صحبت بکنیم بحث خیلی طولانی می‌شود بخاطر اینکه باید فشار بین‌المللی را هم نسبت به این کشورها در نظر بگیریم. کوبا از سال ۱۹۵۹ که انقلاب کرد چون نزدیک آمریکا بود، آمریکا تمام تلاشش را کرد تا کوبا از بین برود. در مورد ونزوئلا هم به همین صورت است. تمام کشورهای آمریکای جنوبی که به سمت سوسیالیسم رفتند، آمریکا در این کشورها یا کودتا کرد یا جنگ. موفقیت این کشورها خیلی محدود شد چون به لحاظ اقتصادی خیلی در تنگنا قرار گرفتند. ای کاش این فشار نبود، آن وقت می‌شد قضاوت کرد که آن سیستم کارآیی دارد یا نه. اما این بحث را کنار بگذاریم چون دولت کانادا قرار نیست کشور را به سمت سوسیالیستی ببرد. حالا بیشتر آرمان دولت رسیدن به یک کشور سوسیال دموکرات است. بنابراین بحث از بین بردن مالکیت خصوصی به هیچ عنوان نیست. بحث محدود کردن شرکت‌های بزرگ یا ملی کردن یک‌سری چیزها هست ولی بحث از بین بردن مالکیت خصوصی به هیچ عنوان نیست.

من در وب‌سایت NDP، حزب متبوع شما می‌خواندم که یکی از برنامه‌ها این حزب افزایش مالیات روی شرکت‌های بزرگ و همزمان کاهش مالیات شرکت‌های کوچک است. آیا نگران این نیستید که این رویکرد باعث مهاجرت شرکت‌های بزرگ به سمت آمریکا شود که این روزها با کاهش مالیات و حذف قوانین دست و پاگیر، سرزمین جذابی برای سرمایه‌گذاری شده است.

سوال خیلی خوبی است. کمپانی‌های بزرگ را نمی‌خواهیم از بین ببریم. ما می‌گوییم که باید مسئولانه رفتار و عمل کنند. این یعنی اینکه سهم‌شان را نسبت به رشد اجتماع و رشد کشور بپردازند. اتفاقی که الان می‌افتد فرار سرمایه‌هاست که شدیداً کشور را در معرض خطر قرار می‌دهد. میلیاردها دلار به دلیل منفعت فردی سهامداران از کانادا خارج می‌شود، هر چقدر که بخواهند آلوده می‌کنند و منفعتش را در جیب‌شان می‌گذارند. بعد این پول را در جای دیگری پنهان می‌کنند تا مجبور نشوند مالیات بدهند. بحث ما سر این است که ما می‌خواهیم جلوی فرار این مالیات‌ها را بگیریم و می‌خواهیم جلوی بار منفی این کارخانه‌ها را نسبت به جامعه بگیریم. این کار درستی نیست که همه ضرر مال مردم و دولت باشد و همه منفعت مال آن کارخانه و سهامداران عمدتاً ثروتمند آن. ما می‌خواهیم جلوی این را



بگیریم. یعنی کارخانه شغل ایجاد می‌کند. این کار خوب است ولی اگر ضررش بیشتر از منفعتش است، آن کارخانه باید فکر دیگری به حال خودش بکند. مثلاً صنعت نفت کانادا در آلبرتا، نفتی که از آنجا استخراج می‌شود کثیف‌ترین نفت دنیا است چون باید آب زیادی مصرف کنند، نیروی زیادی باید استفاده کنند تا سنگ‌ها را بشکنند و نفت و گاز قاطی با شن و ماسه را از زیر زمین بیرون بیاورند که هم خیلی سنگین است و هم خیلی آلوده است. برای محیط زیست آلودگی ایجاد میکند چون نفت ماسه‌ای است و اینجا نمی‌توانند بر روی آن کاری انجام بدهند. برای پالایش باید به خارج فرستاده شود که حمل و نقلش هم خیلی مشکلات دارد. آلبرتا می‌گوید برای اینکه مردم بتوانند روزی داشته باشند و نان بخورند ما باید این صنعت را داشته باشیم. ولی ترویج این صنعت از نظر اقتصادی به صرفه نیست. برای اینکه این اقتصاد به صرفه باشد باید در ایران و خلیج (فارس) جنگ باشد تا قیمت نفت بالا برود تا این صنعت به صرفه باشد یا اینکه دولت باید سوبسیدهای خیلی فراوانی بدهد. الان هم محافظه‌کاران و هم لیبرال‌ها می‌گویند که کانادا به این صنعت نفت ماسه‌ای نیاز دارد و باید ترویج داده شود. الان رقابت بر سر این است که لیبرال‌ها بیشتر سوبسید می‌دهند یا محافظه‌کاران. این در حالی است که منفعت این صنعت برای کسانی است که سهامدار این صنعت هستند و نه برای مردم. هر چند این صنعت شغل هم ایجاد می‌کند (اما منفعت اصلی متعلق به سهامداران است).

باید شیوه تولید انرژی را تغییر داد. مثلاً اینجا در کبک برق تولید شده از نیروی آب زیاد است و در جاهای دیگر انرژی خورشیدی و بادی و انرژی امواج آب و حتی می‌توانیم برویم دنبال انرژی گرمای درونی زمین و روی این مسئله سرمایه‌گذاری کنیم که برای محیط زیست کمتر ضرر دارد نه نفتی که مضراتش زیاد است.

اما همه این‌ها دارد ذهن من را بیشتر درگیر می‌کند. شما با این افکار دائم دارید شرایط را برای فرار سرمایه‌ها بیشتر محیا می‌کنید. تکلیف کشور چه می‌شود وقتی صاحبان سرمایه بروند؟

یک سری سرمایه‌ها نمی‌توانند فرار کنند. به خاطر اینکه معدن اینجاست و جای دیگری نمی‌تواند برود. چرا دولت باید این همه سوبسید مثلاً برای راه‌سازی بدهد تا جاده‌ای به مسافت ۸۵۰ کیلومتر ایجاد شود تا صاحب یک معدن بتواند معدنش را توسعه دهد و برداشت کند. موضوع بعدی بحث کارگر حرفه‌ای است. ما در کانادا کارگر حرفه‌ای زیاد داریم و خیلی از صنایع به کارگرهای حرفه‌ای نیاز دارند. یک نمونه مثال می‌زنم. ایبی سافت در محله پلاتو مونترال که من از آنجا کاندیدای مجلس شده‌ام، یک شرکت بسیار بزرگ تولیدکننده بازی‌های کامپیوتری است. شهردار محله یعنی شهردار پلاتو که از «پروژه مونترال» است، درواقع همان حزب چپ‌گرایی که والری پلانت، شهردار مونترال هم از آن آمده، وقتی ایبی سافت برای استقرار در این محله درخواست معافیت مالیاتی کرد و گفت که من این ساختمان چند

طبقه را می خرم و چند هزار کارگر حرفه‌ای استخدام می‌کنم که باعث رونق اقتصاد محله خواهد شد، پس به من معافیت مالیاتی بدهید تا برای من هم سود داشته باشد. شهردار ارزیابی کرد که چند تا شغل ایجاد می‌شود، چند متر مربع فضا نیاز است و در آخر گفتند چیزی که شهرداری پلاتو برای این کمپانی فراهم می‌کند، امکانات زندگی خوب است. چون کارکنانی که این شرکت کامپیوتری استخدام می‌کند، افرادی هستند که از لحاظ محیط زیستی، محیط فرهنگی، محیط شبکه اجتماعی و غیره دوست دارند در محله‌ای مثل پلاتو زندگی کنند. شهردار به مدیران این شرکت گفت من برای کارمندان شما امکانات فراهم می‌کنم و نه معافیت مالیاتی برای شما که به ضرر کل افراد محله‌ای ما است. شرکت ایبی سافت نرفت و ماند. نهایتاً شرکت را همین جا تاسیس کردند و مالیاتش را هم پرداخت کردند. ما باید زیرکانه با صنعت برخورد کنیم. همیشه صنعت ما را می‌ترساند که کار را ول می‌کنیم و می‌رویم. این همه دولت سوبسید داد به صنایع مختلف، به این کارخانه و به آن کارخانه اما بعد از چهار، پنج سال آن کارخانه جمع کرد و رفت ویتنام، رفت چین، رفت پاکستان، چون آنجا بیشتر منفعت مالی دارد.

نگران این نیستید که این نگرش به صنعت و اقتصاد باعث همان اتفاقی شود که در آمریکا رخ داد وقتی که دموکرات‌ها خواستند معادن ذغال‌سنگ را ببندند و روی این مسئله پافشاری کردند و ترامپ از این مسئله استفاده کرد برای پیروزی؟

مهم بردن و باختن نیست مهم این است که اگر کاری درست است باید انجام بدهید ممکن است اگر مردم هنوز آگاهی کافی برای درک موضوع را نداشته باشند اما وقتی متوجه شوند، با اطمینان به حزب شما رأی می‌دهند. مثلاً اگر مسیر خیابان‌ها عوض شود درست است که در کوتاه مدت به ضرر من راننده است ولی وقتی متوجه می‌شوم که امنیت بچه خود من و مردم تامین می‌شود، متقاعد خواهم شد. بنابراین من فکر می‌کنم باید سیاست



درست را پیشنهاد داد و اگر بازیم، یعنی اینکه مردم آماده نیستند. پس ما باید روی فعالیت مردمی و آگاه‌سازی عمومی توجه کنیم تا یک روزی مردم پذیرنده این نظر باشند.

با توجه به اینکه شما از منطقه پلاتو کاندید می‌شوید برای شرکت در انتخابات، برنامه شما برای این منطقه چیست به خصوص برای مهاجران ایرانی؟

در منطقه من ایرانی خیلی کم است اگر هم ایرانی‌هایی هست، جدیداً آمده‌اند و خیلی محدود هستند. برای پلاتو ارزیابی کردند و متوجه شدند که محیط زیست برای مردم خیلی اهمیت دارد و مسکن و دسترسی به آب از طریق ساحل رودخانه داشته باشند. محله پلاتو متراکم‌ترین محله مسکونی کل کاناداست و تنوع آدم هم در این محله زیاد است و حدود چهل سال پیش خیلی محله کارگری و فقیرنشینی بود و الان جزء محله‌های خیلی گران‌قیمت مونترال است و خانواده‌هایی که بچه کوچک دارند، خیلی اینجا هستند و محله‌ای است که جوانان خیلی جذب اینجا می‌شوند. مردم خیلی در پارک‌ها فعالیت می‌کنند. بچه‌هایشان را پیاده یا با دوچرخه به مدرسه می‌برند. برای مردم اینجا پیاده‌رو از خیابان هم واجب‌تر است. بنابراین زندگی اجتماعی خیلی مهم است، با توجه به اینکه قیمت خانه و اجاره در اینجا بالا است ولی برای مردم هنوز امکان اجاره‌نشینی وجود دارد.

کاهش مصرف انرژی از طریق نوسازی خانه‌های قدیمی محله پلاتو که ائتلاف انرژی در آن‌ها بالاست، مذاکره با شرکت راه‌آهن برای ایجاد دسترسی به ساحل رودخانه از جنوب و مسیر مترو در شمال و افزایش بودجه کمک هزینه اجاره مسکن یا سوبسید ساخت خانه‌های ارزان‌قیمت برای خانواده‌های کم درآمد.

برنامه‌های ملی حزب نئودموکرات به عنوان حزب متبوع شما چیست؟

برنامه عمده حزب نئودموکرات کانادا مربوط به شمارش آراء است. ما فکر می‌کنیم که از لحاظ دموکراسی در شمارش آراء مشکل داریم. آراء مردم درست شمارش نمی‌شود.

منظورتان این است که سیستم ناسالم است؟

نه! منظور من این نیست که در آراء دزدی می‌شود. بلکه منظورم این است که با توجه به نسبت آرای مردم، احزاب صاحب قدرت نمی‌شوند. مثلاً اگر حزب سبز ۱۰ درصد آراء مردم را به دست آورده باید به اندازه ۱۰ درصد تعداد کرسی‌های مجلس، نماینده داشته باشد، در صورتی که از سیصد و خورده‌ای کرسی مجلس، سهم این حزب فقط یک نماینده است. این یعنی آراء مردم شمارش نمی‌شود. به خاطر همین خیلی‌ها می‌گویند که فایده‌ای ندارد که من رای بدهم چون رای من شمارش نمی‌شود. چون آراء بصورت محلی شمارش می‌شود.



اگر یک حزبی در محله‌ای به اندازه کافی تراکم آراء داشته باشد آن حزب یک نماینده در پارلمان خواهد داشت اگر آراء در منطقه‌های مختلف پخش باشد، مثل همین حزب سبز که آرای آن‌ها در کل کانادا پخش است و تراکم آراء ندارند، فقط می‌تواند یک نفر به پارلمان بفرستند. در صورتی که اگر تک آراء شمارش می‌شد و بر اساس درصد آراء مردم به احزاب کرسی تقدیم می‌شد، تعادل آرای بیشتری حاصل می‌شد و مجلس، می‌توانست نماینده بهتری از افکار عمومی کشور باشد.

چند مورد در این مدت اخیر اتفاق افتاده که می‌خواهم نظر شخص شما را درباره آن‌ها بدانم:

قانون ۲۱

شدیداً مخالفم، فکر می‌کنم اشتباه بسیار بزرگی است. به خاطر اینکه خصومت اجتماعی را زیاد می‌کند و بحث‌های دولت کبک روی این موضوع بحث‌های واقعی نیستند. این قانون را در حقیقت برای مخالفت با اسلام درست کردند چون نمی‌توانستند بگویند مخالفت با اسلام، گفتند مخالفت با مذهب. وقتی شما می‌گویید مخالفت با مذهب ولی تمام مناسباتی که می‌گذارید عمدتاً یکی از مذاهب را تحت فشار یا محدودیت قرار می‌دهد، این یعنی اینکه این قانون درست نیست. اگر این قانون مخالفت با مذهب بود شما باید یک مناسبتی بگذارید که مذهب به هیچ عنوان نتواند در دولت دخالت داشته باشد که من با این کاملاً موافق هستم. هرکس دوست داشت مذهب داشته باشد، توی خانه‌اش داشته باشد به ما چه کار دارد، به اجتماع چه کار دارد، به قانون چه کار دارد، به دولت چه کار دارد. مذهب خودش یک فلسفه‌ای است که بر اساس عدم برابری بنا شده، ما که نمی‌خواهیم این عدم برابری را در جامعه پیدا کنیم. ما می‌خواهیم عدالت را در جامعه برقرار کنیم. بنابراین مذهب اصلاً در دولت و قانون جا ندارد. باید یک کاری بکنیم که مذهب نتواند دخالت کند نه اینکه دولت به تمام مدارس خصوصی مذهبی پول بدهد و تمام امکانات مذهبی را دولت معافیت مالیاتی بدهد و تمام مناسبات مذهبی را دولت یک جوهرایی کمک مالی غیر مستقیم کند، بعد بیاید بگوید مذهب در دولت نباشد. حالا این اعتقاد مذهبی باعث می‌شود که یک چیزی روی سرش بگذارد یا نگذارد، دیگر نیایم پاپیچ مردم بشویم، مردم حق دارند. من هر چقدر هم غیر مذهبی باشم حق ندارم به دیگری زور بگویم شما هم غیر مذهبی باش.

آیا این به تجربه قدیمی مردم کبک از اختناق مذهبی بر نمی‌گردد؟

بله درست است. مردم در کبک روی این مسئله خیلی حساس هستند. به این دلیل که همانطور که مذهب در جامعه ما ایرانی‌ها تسلط شدیدی روی اجتماع دارد، مذهب اینجا و در کبک هم خیلی قوی بود. حتی خیلی از قدیمی‌ها تعریف می‌کنند که کشیش وارد خانه می‌شد و به خانم خانه



می‌گفت که شما چرا امسال بچه‌دار نشدی، نکند جلوگیری کرده باشی. این شد که کبکی‌ها در دهه شصت تصمیم گرفتند که جلوی مذهب را بگیرند. تمام مدارس تحت تسلط مذهب بود. سیستم درمانی تحت تسلط مذهب بود. آمدند و یواش یواش اینها را کم کردند. حالا وقتی مهاجرین مذهبی می‌آیند مردم کبک کمی دست‌پاچه می‌شوند و می‌گویند که نکند مذهب دوباره به ما حمله کند. بنابراین این نگرانی در جامعه هست اون وقت یکسری ناسیونالیسم‌های کبکی گفتند که باید جلوی این را بگیریم. یکسری نژادپرست‌ها هم از این مسئله استفاده کردند و گفتند که ما غیر از خودمان را نمی‌خواهیم. نهایتاً این دو با هم توانستند قانون ۲۱ را پیش ببرند. اینکه دولت از مذهب جدا باشد به نظر من کاملاً سیاست درستی است و من خودم موافق شدید این مسئله هستم ولی شیوه اجرای این قانون بسیار غلط بود. برای اینکه جلوی مذهب را نمی‌گیرند بلکه جلوی فرد مذهبی را می‌گیرند و چون الان مسلمانان عمدتاً نوک پیکان حمله هستند. تازه مردهای مسلمان هم نه، فقط زنان. یک روز من به یکی از این افراد گفتم زن مذهبی چون حجاب دارد نمی‌تواند قاضی شود ولی مرد خیلی مذهبی که نشانه‌ای ندارد، می‌تواند قاضی شود. یعنی شما جلوی رخنه مذهبی یا سلطه مذهب به دولت را نتوانستی بگیري فقط جلوی فرد را گرفتی. شما یک کاری بکنید که هر فردی، مذهبی یا غیر مذهبی اجازه نداشته باشد که هیچگونه افکار مذهبی را در تصمیم‌گیری خودش دخالت دهد. روی این موضوع باید تأکید کرد و یک کاری کرد که این اجرا شود نه این که جلوی فرد، حالا مذهبی باشد یا نباشد بگیریم. فقط هم مسلمانان نیستند، حتی یهودی‌ها هم که نشانه دارند شامل این قانون می‌شوند، ولی یهودیان بیشتر بخش خصوصی هستند و این قانون شامل بخش خصوصی نمی‌شود و فقط بخش دولتی است که محدودیت دارد.

موضوع دومی بحث بازگشائی کنسولگری ایران در کانادا است که مدت‌هاست بسته شده و خیلی از مردم گرفتار این مسئله هستند.

نبود پل ارتباطی بین دولت ایران و دولت کانادا یک مشکلی هست برای ایرانی‌ها. الان بخش زیادی از ایرانی‌های کانادا هستند که معتقدند که خیلی خوب است که سفارت نباشد بخاطر اینکه سفارت یک لانه جاسوسی است و اینکه دولت جمهوری اسلامی می‌خواهد بر روی تمام فعالان سیاسی مخالفش فشار بیاورد و ضرر برساند و همچنین شناسایی کند. اما از آن طرف دیگر یک تعداد هم معتقد هستند که این پل ارتباطی وقتی نباشد بیشتر مردمی که می‌خواهند بیایند و بروند، پولشان را بیاورند و ببرند، ویزا بگیرند، این موضوعات سخت شده است. شخصاً معتقدم که دولت جمهوری اسلامی چون بیشتر ضرر به ایرانی‌های مقیم اینجا وارد می‌کند بنابراین نیاز به سفارت ندارد چون کار جاسوسی را بدون سفارت هم انجام می‌دهد، کار تروریستی را بدون سفارت هم می‌تواند به راحتی انجام دهد پس به سفارت احتیاجی ندارد. حالا اگر سفارت باشد شاید کارشان را راحت‌تر کند ولی

نبود سفارت جلوی خرابکاری جمهوری اسلامی را نمی‌گیرد ولی امکان ارتباطی با ایران نباید حتماً سفارت باشد می‌تواند کنسولگری باشد. مسئله این است که مشکلات مردم حل شود. بتوانند ویزایشان را بگیرند، بتوانند بروند و بیایند و شناسنامه‌هایشان را بگیرند و تمدید کنند و یک کنسولگری هم می‌تواند همه این کارها را انجام دهد. بنابراین من فکر می‌کنم بهتر است داشته باشیم تا جلوی این مشکلات مردم گرفته شود.

سوال: شما فکرمی کنید اگر رفتید مجلس روی این موضوع کار می‌کنید یا در اولویت برنامه‌هایتان نیست؟

در اولویت حزب نئودموکرات کانادا (NDP) مسلماً نیست ولی من به عنوان یک ایرانی مطمئن هستم که ایرانی‌ها خواهند آمد و به من مراجعه خواهند کرد تا در این رابطه کاری انجام دهم و من به عنوان یک ایرانی حتماً این وظیفه را انجام خواهم داد.



مریم دلشاد

مشاور سفرهای شما

◀ مناسب ترین قیمت بلیت

◀ تور و کروز

◀ بیمه سفر

◀ حج عمره و تمتع



VOYAGES MENARA



Cell: 438-405-8323

Tel: 514-940-0911

Email: [maryamdelshad @ voyagesmenara.ca](mailto:maryamdelshad@voyagesmenara.ca)

Address: 1620B Sherbrooke St. W

Montreal, QC H3H 1C9

فلیکس هلت، ویزیت پزشک بدون نیاز به حضور در کلینیک

یک استارت‌آپ کانادایی موفق به طراحی سامانه‌ای شده که به کاربران امکان می‌دهد مشکلات خود را بدون نیاز به حضور در مطب پزشک با او در میان گذارند و در صورت نیاز، نسخه‌ای از پزشک دریافت کنند.

نظام سلامت در کانادا مزایای زیادی به همراه دارد که شاید مهم‌ترین آنها، پایین بودن هزینه‌ها برای بیماران باشد. اما این نظام در دسرهایی نیز به همراه دارد که شاید شما هم آن را تجربه کرده باشید. این دردسر چیزی نیست جز زمان طولانی انتظار برای ملاقات با پزشک. اما شاید همان طور که استارت‌آپ‌هایی نظیر اوبر توانستند نظام سنتی حمل‌ونقل شهری را متحول کنند، در اینجا نیز شاهد تحولی چشمگیر باشیم. به نظر می‌رسد استارت‌آپ فلیکس هلت (Felix Health) بتواند از پس این کار برآید.

فلیکس هلت سامانه‌ای طراحی کرده که در آن هر فرد پس از ایجاد حساب کاربری، یک پرسشنامه را پُر می‌کند. پُر کردن این فرم حدود ۱۵ دقیقه زمان می‌برد. در گام بعدی، یکی از پزشکان عضو این سامانه به بررسی اطلاعات موجود در این پرسشنامه پرداخته و در صورت نیاز، داروهایی تجویز می‌کند. این نسخه به صورت خودکار به داروخانه ارسال شده و داروهای مذکور پس از ۴۸ ساعت به دست فرد می‌رسد.

بنیانگذار فلیکس هلت می‌گوید که این امکان برای کاربر فراهم می‌شود که در تمام طول مسیر، از معاینه تا دریافت نسخه و دارو، از یک سامانه واحد استفاده کند.

فلیکس هلت تاکنون موفق به دریافت ۷۵۰ هزار دلار سرمایه شده است. البته این راحتی، هزینه‌ای هم دارد. فلیکس هلت از بیماران بابت ویزیت پزشک، مبلغی دریافت می‌کند که معمولاً ۴۰ دلار است و البته هزینه داروهای تجویز شده نیز به آن افزوده می‌شود. بیشتر طرح‌های بیمه‌ای استانی در کانادا فقط هزینه ویزیت پزشک را پوشش می‌دهند. به همین دلیل، کاربران سامانه‌های مجازی یا باید هزینه را از جیب‌شان بپردازند تا اینکه به سراغ بیمه‌های دیگر بروند.

متین تیره دست

مشاور امور مالی
و فارغ التحصیل دانشگاه
صنعتی شریف و ETS



514 690 6181

www.ia.ca

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری
- برنامه های بازنشستگی
- حساب های سرمایه گذاری کودکان



گاستروانتریت

مهرنوش اردلان یکتا یکی از بیماری‌های شایعی که تقریباً در هر فصلی وجود دارد و می‌تواند بزرگ و کوچک را درگیر و فرد را خانه‌نشین کند، گاستروانتریت یا «Stomach Flu» است که البته برخلاف نامی که به آن مصطلح است ربطی به آنفلونزا ندارد. این بیماری که در ایران بیشتر به نام مسمومیت غذایی معروف است، می‌تواند به علت تماس با فرد آلوده و یا مصرف مواد غذایی یا آب آشامیدنی آلوده به باکتری یا ویروس‌ها فرد را مبتلا کند.

نشانه‌های بیماری

نشانه‌های شایع بیماری شامل موارد زیر است:

- اسهال آبکی که معمولاً خونی نیست (چنانچه اسهال خونی باشد نشانه بیماری‌های جدی‌تر است)
- دل‌پیچه یا درد شکم
- تهوع، استفراغ یا هردو
- دردهای مختصر عضلانی یا سردرد
- تب مختصر

نشانه‌های بیماری یک تا سه روز بعد از آلوده شدن - با توجه به علت بیماری - در فرد ظاهر می‌شود و یک تا سه روز ادامه می‌یابد. در مواردی این علایم تا ۱۰ روز هم ادامه خواهد داشت.



چه زمانی به پزشک مراجعه کنیم؟

در کودکان و نوزادان ؛

- تب ۳۸,۹ و بالاتر داشته باشد؛
 - درد یا احساس ناراحتی زیادی داشته باشد؛
 - اسهال خونی داشته باشد؛
 - کودک بی حال یا بسیار بی قرار به نظر برسد؛
 - کودک کم آب به نظر برسد (از مقایسه میزان مایعاتی که می نوشد و میزان ادرار و مقایسه آن با مواقع عادی می توان کم آبی کودک را متوجه شد).
- در صورت وجود موارد بالا حتما باید هر چه سریع تر کودک توسط پزشک معاینه شود.

در بزرگسالان؛

- استفراغ بیشتر از دو روز؛
 - استفراغ خونی؛
 - وجود خون در مدفوع؛
 - تب بالای ۴۰ درجه؛
 - کم آب شدن بدن (تشنگی بسیار زیاد، خشکی دهان، ادرار کم و غلیظ زردرنگ یا عدم وجود ادرار، ضعف شدید، سرگیجه یا سیاهی رفتن چشمها نشانه های کم آبی در بدن است).
- در صورت وجود نشانه های بالا باید به طور اورژانسی به پزشک مراجعه شود.

چه کسانی در خطر بیماری شدیدتر هستند و بیشتر نیاز به بستری شدن دارند؟

- کودکان کمتر از دو سال
- افراد بزرگتر از ۶۵ سال
- زنان باردار
- افرادی که بیماری مزمن زمینه ای مانند دیابت دارند



علت بیماری

بیشترین دلیل بیماری ویروس‌ها هستند. مواردی که باعث بیماری می‌شوند شامل:

- **نوروویروس:** هم بزرگسالان و هم کودکان را مبتلا می‌کند و در سراسر دنیا بسیار شایع است. از طریق آب و غذای آلوده به ویروس و تماس فرد به فرد منتقل می‌شود.
- **رتروویروس:** بیشتر بچه‌ها را درگیر می‌کند و اغلب زمانی که کودک اشیای آلوده را به دهان می‌گذارد، ایجاد بیماری می‌کند.
- **در موارد نادرتر باکتری‌ها (مانند شیگلا و E.Coli) و انگل (ژیاردیا)** می‌توانند علت بیماری باشند.

تشخیص و درمان

تشخیص بیماری بیشتر از روی نشانه‌ها توسط پزشک صورت می‌گیرد، مگر در مواقعی که پزشک به عامل بیماری شک داشته باشد و آزمایش مدفوع درخواست می‌کند.

در مواقع ویروسی که شایع‌ترین علت بیماری هستند، درمانی برای بیماری وجود ندارد و معمولاً بیماری خودبه‌خود خوب می‌شود. تنها باید اقدامات حمایتی برای پیشگیری از به وجود آمدن عوارضی مانند کم‌آبی، به خصوص در کودکان انجام داد.

اقداماتی که در خانه باید انجام داد

- از خوردن غذاهای جامد برای چند ساعت پرهیز کنید و تلاش کنید مایعات (مانند نوشیدنی‌های غیر کافئینه ورزشی، دوغ بدون گاز نمک‌دار) بنوشید؛ حتی اگر مقادیر کمی باشد تا از کم‌آبی پرهیز کنید.
- کم‌کم مواد غذایی جامد ساده مانند موز، برنج و مرغ و نان تست را شروع کنید و از خوردن مواد غذایی چرب، دارای ادویه زیاد، الکل، کافئین و محصولات لبنی مانند شیر یا بستنی پرهیز کنید.
- استراحت کنید و از داروهای مانند ایبوبروفن به دلیل اثر منفی بر روی معده استفاده نکنید.





در مورد کودکان؛

- از محلول های رهایدریشن تجاری موجود در داروخانه ها که بدون نسخه پزشک عرضه می شوند مانند Gastrolyte می توان استفاده کرد. این محلول ها نه تنها مایعات از دست رفته بلکه مواد معدنی و نمک های بدن را جبران می کنند.
- از دادن هر گونه مواد غذایی حاوی محصولات لبنی و نوشیدنی ها یا خوراکی های شیرین مانند بستنی یا شکلات به کودک پرهیز کنید. آب سیب می تواند اسهال را بدتر کند.
- در مورد کودکان شیرخوار باید شیردهی توسط مادر یا شیرخشک ادامه یابد.
- مانند بزرگسالان کم کم با غذاهای ساده جامد شروع کنید.
- از دادن داروهای ضد اسهال داروخانه ای به کودک جدا پرهیز کنید.
- بعد از هر بار اسهال یا استفراغ در مورد شیرخواران ۱۵ تا ۲۰ دقیقه به کودک استراحت دهید و بعد تغذیه اش کنید.

پیشگیری

- مهم ترین بخش در مورد این بیماری پیشگیری از آن است. مهم ترین بخش در پیشگیری رعایت نکات بهداشتی است:
- به طور مرتب دست های خود و کودکان را بشویید.
 - با تزریق واکسن رتروویروس در سال اول زندگی به کودک می توان از بروز این نوع گاستروانتریت پیشگیری کرد.
 - جداسازی وسایل شخصی مانند لیوان.
 - با استفاده از مواد ضد عفونی تمامی سطوح مانند میز، کانتر آشپزخانه و دستگیره های در را ضد عفونی کنید، به خصوص اگر فرد بیماری در خانه است.
 - مهد کودک فرزندان را در مورد داشتن فضای جدا برای تعویض پوشک و محل آماده سازی غذای بچه ها کنترل کنید.
 - فاصله خود را با افراد بیمار حفظ کنید.



مهرنوش اردلان یکتا سال‌ها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخ‌ها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید.

سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

info@medad.ca



با سلام از حدود یک سال قبل، لکه‌های سفیدی بر روی کمر و گردن و پشت پاهای پسرم ایجاد شده است. سال قبل با مشورت دوستی از پماد هیدروکورتیزون استفاده کردم و لکه‌ها از بین رفت و در طول زمستان نیز وجود نداشت و با شروع تابستان لکه‌های سفید بازگشته است. تشخیص شما چیست؟



با سلام به شما دوست عزیز

با توجه به توضیحاتی که اشاره کردید و نحوه پراکندگی لکه‌ها به نظر میرسد بیشتر تشخیص نوعی قارچ پوستی بیخطر به نام تینه‌آ و رسیکالر مطرح باشد. این قارچ به صورت طبیعی بر روی بدن وجود دارد و در بعضی مواقع فعالیتش بیشتر می‌شود که عوامل موثر در ایجاد آن آب و هوای گرم و شرجی، پوست چرب و تغییرات هورمونی و گاهی ضعیف شدن سیستم ایمنی است. البته تشخیص‌های دیگری مانند اگزما، پسوریازیس یا ویتیلیگو نیز وجود دارد که کمتر مطرح هستند. برای درمان می‌توانید از محلول یک درصد سلنیوم سولفاید (Selsun Blue) یا کرم میکونازول (Micaderm) که در داروخانه‌ها بدون نسخه وجود دارند، استفاده کنید. چنانچه بعد از مصرف نتیجه‌ای حاصل نشد حتماً با پزشک مشورت کنید.

کلینیک دندانپزشکی

ویلری



دکتر انوش عندلیبی

جراح دندانپزشک

تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷

61, rue Villeray
métro De Castelnau
Montréal, Qc. H2R 1G2

ماشین حساب برای دانش آموزان



مهرزاد قانو برای بسیاری از والدین ایرانی که خود در ایران تحصیل کرده‌اند، این سوال وجود دارد که چرا در فرایند آموزش درس ریاضی در کانادا، فرزندان مجاز به استفاده از ماشین حساب هستند. آن‌ها همچنین می‌پرسند آیا این مساله نوعی ضعف در نظام آموزشی کشور پیشرفته‌ای همانند کانادا است؟ پاسخ این است که علت را باید جای دیگری جستجو کرد.

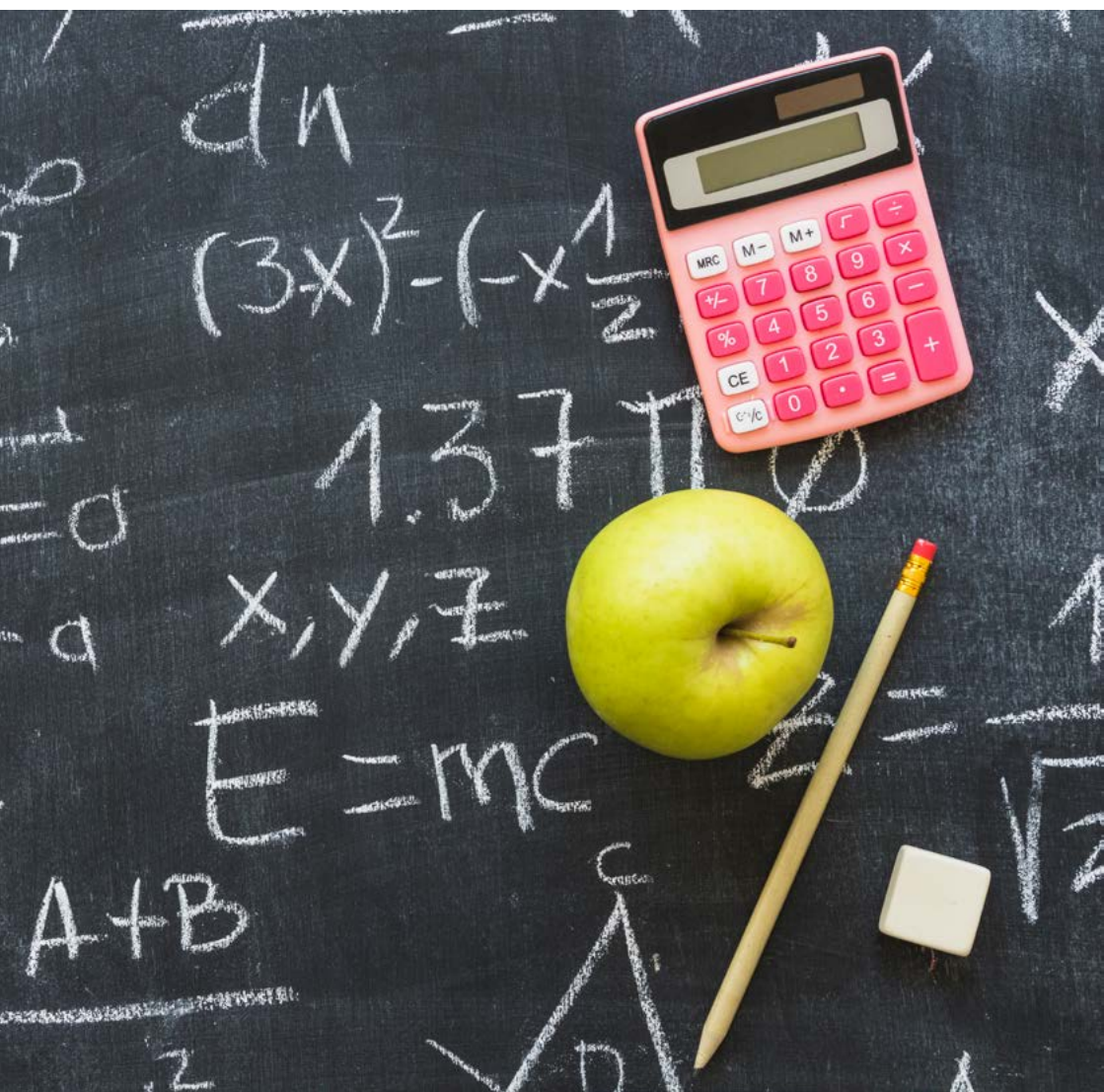
برای پاسخ به این سوال باید نگاهی بیاندازیم به نظریه یکی از ریاضی دانان اهل کشور انگلستان بنام کانراد ولفرام که در زمینه فناوری اطلاعات، فعالیت زیادی داشته و معتقد به تغییر روش‌های آموزش ریاضی است. ولفرام با طرح این دو سوال که اصولاً اهمیت آموزش ریاضی و فرآیند انجام یک محاسبه‌ی ریاضی چیست، فرضیه‌ی خود را اینچنین مطرح می‌کند که آموزش ریاضی باعث افزایش درک صحیح و منطقی از مسائل و استدلال می‌شود. این همان دلیل و توانایی اصلی است که باعث افزایش کیفیت زندگی در جوامع رو به رشد دنیا شده است.

طبق نظر او انجام هر محاسبه ریاضی، چهار مرحله دارد که عبارتند از:

- ۱) طرح صحیح یک سوال از مسائل پیش روی ما در دنیای امروز
- ۲) تغییر فرم سوال به قالب‌ها و فرمول‌های ریاضی
- ۳) انجام محاسبات
- ۴) درک صحیح از پاسخ محاسبات برای استفاده بهینه در حل مساله

ولفرام معتقد است در خیلی از موارد تمرکز آموزش ریاضی بیشتر بر انجام محاسبات بوده حال آنکه سه مورد دیگر از اهمیت بسیار زیادی برخوردار هستند و در واقع درک واقعی ریاضیات بسته به درک این سه مورد است. او می‌گوید برای محاسبات می‌توان از ماشین حساب و کامپیوتر استفاده کرد که درصد خطای کمتر و سرعت بیشتری دارند تا فرصت کافی به دست که دانش‌آموزان تمرکز اصلی خود را روی تقویت و درک سه بخش دیگر فرایند حل یک مسأله قرار دهند.

بدین منظور بهتر است تاکید آموزش در تقویت مهارت برنامه‌نویسی و استفاده از فناوری قرار گیرد تا دانش‌آموزان در آینده توانایی بهتری در تبدیل مسائل روزمره دنیای اطراف خود به الگوریتم‌های کامپیوتری داشته باشند. او معتقد است این امر باعث کارآمدی بیشتر آموزش ریاضی در زندگی آینده‌ی کودکان در زمینه کار و فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد. همین فلسفه است که باعث شده تا استفاده از ماشین حساب در مدرسه‌ها کانادایی مجاز باشد. چون قرار نیست سیستم آموزشی کانادا از کودکان یک ماشین محاسبه زنده بسازد. بلکه این کودکان باید حلال مسائل و مشکلات آینده باشند و بنابراین باید ذهن «مشکل حل‌کن» داشته باشند.





با مدیریت

دکتر رضا پارسانژاد

- دعوت نامه اختصاصی اقوام
- تکمیل کلیه فرم ها
- پذیرش دانشگاه با بورس تحصیلی
- امور کنسولی
- وکالت نامه به ایران
- ازدواج و طلاق

514 979 - 4551

**4055 Ste Catherine O.
#131, Westmount, QC,
H3Z 3J8**

تغییر محل کلینیک



Annie Benlolo, D.M.D

Chirurgienne dentiste / Dental surgeon

Ann-Claire Landry, D.M.D, BSc

Chirurgienne dentiste / Dental surgeon

دکتر جاوید موسوی

dentwest
monkland

خدمات دندان پزشکی
عمومی و ارتودنسی

514 484 - 8808

www.dentwest.com

5890 av. Monkland, suite 10
Montréal, QC, H4A 1G2

لذت آب پرتقال زیر گنبد نارنجی

مریم ایرانی اگر در خط نارنجی متروی مونترال گذرتان به ایستگاه مترو نمور افتاده باشد، احتمالاً یک گنبد نارنجی عظیم را در حاشیه اتوبان دگری دیده‌اید که روی زمینه آبی آسمان جلوه خاصی دارد. اگر کمی نزدیکش بروید، متوجه می‌شوید که زیر این گنبد نارنجی که مونترالی‌ها آن را به اسم Gibeau orange julep می‌شناسند، یک مجموعه فست‌فود و آبمیوه فروشی است که مشتری‌های زیادی را دور و بر خودش جمع می‌کند. اگر خوش‌شانس باشید، می‌توانید ازدحام موتورسیکلت‌ها و ماشین‌های قدیمی را هم در اطراف این گنبد ببینید. پاتوق این هفته، داستان این گنبد نارنجی است. شاید این آخر هفته گرم و طولانی را به سراغش بروید و طعم آب پرتقال طبیعی خنک و ساندویچ‌هایش را بچشید.



رِسپی خانوادگی به نام ژولپ

بین مونترالی‌ها، یک ضرب‌المثل وجود دارد: «با گنبد نارنجی ژولپ julep هر کس حداقل یک نوستالژی و خاطره‌بازی دارد!» بعضی‌ها با آب پرتقال‌های خوش‌طعمش و بعضی‌ها با شب‌های گرم و طولانی و تابستانی و برخی با سلفی‌هایی که با گنبد نارنجی می‌گیرند. البته به سن خیلی از مونترالی‌ها قد نمی‌دهد که داستان پشت سر این گنبد نارنجی به یک قرن قبل برمی‌گردد. روزی که آقای گیبو Har-mas Gibeau تصمیم گرفت به رویای بزرگش جامه عمل بپوشاند! در ابتدا او می‌خواست وارد صنایع غذایی شود. ولی بعد تصمیم گرفت که یک نوشیدنی با نام تجاری خودش در مونترال تولید کند. این نوشیدنی همان ژولپ بود. البته که خود گیبو مخترع این نوشیدنی نبود. ژلپ یک میراث خانوادگی بود که دستور آن را فقط مادر بزرگ‌های خانواده گیبو مثل رازی در سینه نگه داشته‌بودند و فقط اعضای خانواده از آن خبر داشتند. با این حال رِسپی اصلی نیاز به کمی دستکاری داشت. قیمت آن مقرون به صرفه نبود و گیبو با جدیت، نسخه خانوادگی را تغییر داد و نخستین بار نوشیدنی‌های خودش را در جریان یک جشن در سال ۱۹۲۳ به مونترالی‌ها فروخت و از آن موقع آن‌ها را نمک‌گیر کرد.



در سال ۱۹۳۲، گیبو موفق شد اولین بار آبمیوه فروشی نارنجی گنبدی‌اش را که یک ساختمان بتونی بود در حاشیه بزرگراه افتتاح کند. این ساختمان حدوداً دو طبقه داشت. اما ۱۳ سال بعد، این ساختمان را فروختند و در جای جدید و فعلی که همه می‌شناسند، گنبد نارنجی امروزی را دوباره بنا کردند.

گنبد نارنجی و نمایشگاه تابستانی ماشین‌های کلاسیک

امروز، ساختمان گنبد نارنجی در حاشیه اتوبان دگری همچنان یک پاتوق باحال تابستانی است. مردم زیادی برای خرید آب‌پرتقال مخصوص ژولپ و خوردن ساندویچ چیپس اینجا می‌آیند. با این حال از دهه ۵۰ یک اتفاق بامزه دیگر به جذابیت این محل افزود. عده زیادی از افرادی که به جمع‌آوری ماشین‌های کلاسیک علاقه داشتند طی یک قرار نانوشته، شب‌های چهارشنبه اطراف این گنبد گردهم می‌آمدند و ماشین‌هایشان را به‌رخ یکدیگر می‌کشیدند. این سنت همچنان در این محل برقرار است. گنبد نارنجی ژولپ یک نماد است. نه فقط نماد یکی از پاتوق‌های محبوب و مشهور مونترال بلکه نماد رویایی که یک روز به بار می‌نشیند. مثل رویای بزرگ گیبو برای داشتن یک نام تجاری نوشیدنی که حدود یک قرن مشهور مانده‌است.

چطوری به این محل برویم؟

برای رفتن به گنبد نارنجی پرتقالی باید به آدرس زیر بروید:

7700 Decarie Blvd, Montreal, QC H4P 2H4

ی‌چ‌ن‌ر‌ان ط‌خ رد رومن ورت‌م زا هداف‌ت‌س‌ا ه‌ار نی‌رت‌ه‌د‌اس‌ا
ی‌ور ه‌ب ی‌چ‌ن‌ر‌ان د‌ب‌ن‌گ نی‌ا ی‌ا‌رد ح‌ب‌ص ۳ ت‌ع‌اس‌ا ت‌س‌ا
د‌وب ده‌او‌خ‌ز‌اب‌ا‌ش.



● مرکز فراگیری خلاق فانوس ●



✓ کلاس های زبان انگلیسی و فرانسه از مقدماتی تا پیشرفته
(بزرگسال)

✓ کلاس های آموزش زبان خلاق (کودکان و نوجوانان)

www.faunus.ca

info@faunus.ca

fb@faunus.institute

514 431 3345

420- 3285 BLVD CAVENCISH,
MONTREAL, QC.H4B 2L9

شرکت تجاری پاسیفیک

ارائه مشاوره مالی جهت انتقال سرمایه ✓

ارائه کلیه خدمات مبادلات ارزی ✓

به ایران و برعکس ✓

Tel. : (514) 289 9011 Office

(514) 9469011 Mobile

Add. : 1117 Ste. Catherine west

Suite #511 Mtl. Qc. H3B 1H9



PA

I.C. Pacific Trading Inc.

مداد

را در

رسانه‌های اجتماعی

دنبال کنید!

[instagram.com/mtl_medad](https://www.instagram.com/mtl_medad)

goo.gl/4xL4yV

fb.me/MTLMedad

twitter.com/Medad_MTL





داستان تولد یک شهر ویل مری، پیش‌کشی به بانوی مقدس

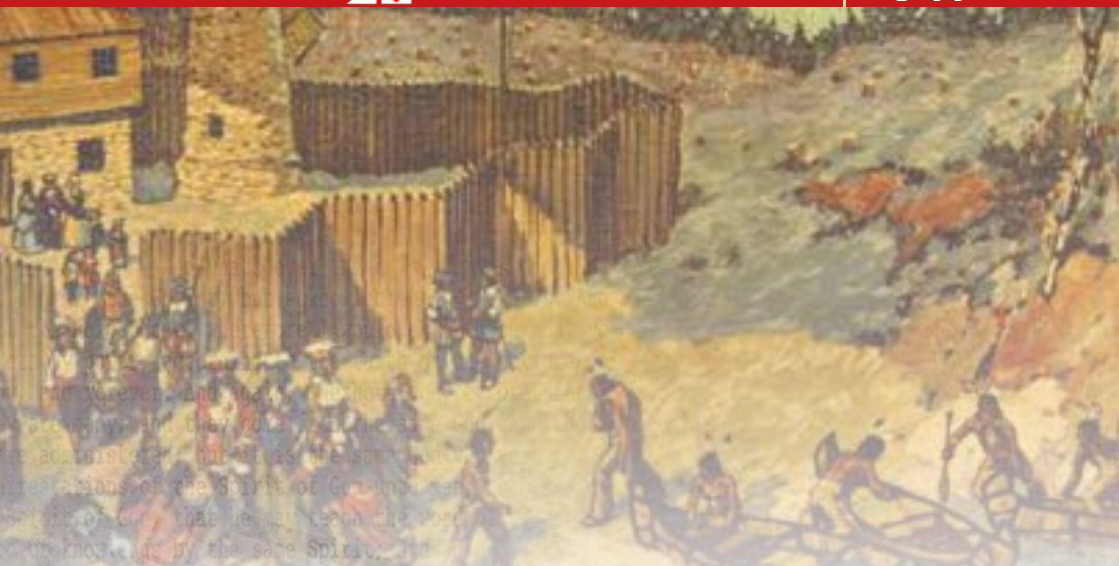
به مناسبت سالگرد واگذاری جزیره مونترال
به انجمن مذهبی کلیسای نوتردام

زمان: هفتم اوت سال ۱۶۴۰ میلادی

مریم ایرانی برای همه ما که روزها زیادی را در مونترال عمر می‌گذرانیم، این شهر از روز اول «مونترال» نام داشته‌است. جزیره زیبایی در حاشیه شمالی رود سن لوران که ۳۷۷ سال و پس از کشمکش‌های فراوان، بافت تاریخی و فرانسوی خود را حفظ کرده است. اما شاید ندانید که این شهر را کلیسا در قرن هفدهم از یک کمپانی فرانسوی که کارهای توسعه سرزمین‌های «فرانسه‌نو» را انجام می‌داد، خرید تا مسیحیت را تداوم بخشد. کلیسایی که در آن روزگاران، با قدرت زیادی که داشت، تمامی این شهر را برای اعتلای دین مسیح از آن خود کرد و آن را تقدیم به «مریم مقدس» کرد. شهری که تا پیش از این «ویل ماری» یا «شهر مریم» نامیده می‌شد.



قلعه ویل مری، نطفه نخستین شهر امروزی مونترال است



انجمن مذهبی کلیسای نوتردام، یک مرکز مذهبی مهم و معتبر در فرانسه بود که اعضایش را سه کشیش مقدس و به اصطلاح مردان خدا تشکیل می‌دادند. آن‌ها ژان ژک اولیه، جروم لوروایه داورسیه و پی‌یر شوریه نام داشتند. بعدها، فرمانده جوان و بی‌باک شهر «ویل ماری» یعنی «مزونوو» هم به آن‌ها پیوست. هدف و انگیزه این افراد این بود که برای تقویت و تداوم دین مسیحیت در فرانسه‌نو، تا می‌توانند بومیان را که به نظر آن‌ها مردمی بت‌پرست و وحشی بودند، به آیین مسیحیت دریاورند و جمعیت قابل توجهی از مسیحیان فرانسوی را هم برای تشکیل یک شهر جدید که پایگاه مستحکمی برای دینداری باشد، دور هم جمع کنند.

این ایده را در سال ۱۶۳۵ جروم داورسیه (Jérôme le Royer de la Dauversière) به کلیسای نوتردام پاریس پیشنهاد کرد. او مردی عابد و خداشناس بود که تمام عمرش را صرف خدمت به کلیسا و محرومین کرده بود. او که در سرزمین‌های «فرانسه‌نو» قابلیت زیادی برای مسیحی کردن بومیانی که سرزمین آبا و اجدادی‌شان توسط فرانسوی‌ها اشغال شده‌بود، می‌دید، تصمیم گرفت حامیانی از کلیسا به این پروژه ملحق کند.

این کار حدود سه سال زمان برد. کم‌کم بقیه اعضای گروه که از مردان کلیسا بودند، به طرح اولیه او پیوستند. پول زیادی از طرف کلیسا جمع شد تا پروژه «کار خداپسندانه» به سرعت آغاز شود. در آن زمان جزیره مونترال در اختیار کمپانی «فرانسه‌نو» بود. بالاخره تلاش‌های انجمن مذهبی در هفتم اوت سال ۱۶۴۰ به ثمر نشست و بعد از مذاکرات طولانی جزیره مونترال به انجمن مذهبی نوتردام سپرده شد و آن‌ها به احترام مادر مسیح، نام آن را به «ویل ماری» یا شهر مریم تغییر دادند.

در ابتدا بیشتر محل‌هایی که در مونترال شکل گرفتند، با الگوبرداری از شهر کبک بود. مثلاً، مدرسه و بیمارستان و یک کلیسا برای سرپرستی و آموزش بومیان. بعد از این مرحله، انجمن تصمیم گرفت با تایید شاه فرانسه، یک فرماندار برای شهر جدید انتخاب کند. بعد از مدتی «مزونوو» که جوانی با لیاقت و باهوش بود و البته کاملاً به کلیسا احترام می‌گذاشت بعنوان



فرماندار شهر انتخاب شد و برای تامین احتیاجات اولیه ساکنان شهر مامور شد تا به فرانسه برود و تجهیزات و نیروی کار با خود بیاورد. در همین زمان تصمیم گرفته شد که عده‌ای زن هم همراه این گروه به مونترال بیایند که یکی از آن‌ها ژان مانس Jeanne Mance بود.

به دلیل مشکلاتی که در حمل و نقل اولین ساکنان مونترال پیش آمد، کشتی در اواسط آگوست به مونترال رسید و کار سر و سامان دادن به جزیره را به عقب انداخت. همین تاخیر باعث شد تا زمستان آغاز شود و مزونوو مجبور شد که اندکی صبر کند تا بتواند زمستان سخت را بگذراند. در این مدت قبائل بومی «ایروکوو» قدرت خود را به دست آورده بودند و کنترل اوضاع از دست مزونوو و افرادش گرفته شده بود.

در این مرحله «ساموئل دوشامپلن» فرمانده شهر کبک به کمک مزونوو آمد و با حمایت از او توانست بخشی از مشکلات مزونوو را حل کند. اما به طور کلی این خطر وجود داشت که شهر جدید ویل ماری نتواند به حیات خود ادامه بدهد. اما مزونوو با سختی و تلاش بسیاری توانست خود را به جزیره برساند و شهر جدید را در بهار سال ۱۶۴۱ که هوا اندکی بهتر شده بود تا حدودی به ثبات برساند. ژان مانس در این مرحله با فداکاری زیادی در کنار مزونوو بود و به او کمک فراوانی کرد. یکی از اولین کارهایش، تاسیس نخستین بیمارستان شهر و مدیریت آن بود.

شهر ویل مری در محل کنونی شهر قدیم مونترال و جایی حدود کلیسای نوتردام بنا شده بود. این شهر در آن زمان با جمعیت چند ده نفری خود بیشتر شبیه یک قلعه ساخته شده از چوب در میانه یک جنگل بزرگ بود که سراسر جزیره مونترال را دربر گرفته بود.

عاقبت انجمن مذهبی نوتردام

تا اواسط سال‌های ۱۶۵۰ بیشتر اعضای انجمن از دنیا رفتند و تنها مزونوو و یک نفر دیگر از آن هسته اولیه باقی ماندند. افرادی هم به این انجمن اضافه شده بودند اما هنوز انجمن به هدف اولیه تشکیلش که مسیحی کردن قبائل بومی بود، دست نیافته بود.

بومیان بسیار قدرتمند بودند و تعداد بیشتری داشتند و در حملات بی‌شمار بر علیه فرانسوی‌ها، تعداد زیادی از جمعیت اندک فرانسوی‌ها را از بین بردند. این مساله ترسی را در دل انجمن مذهبی انداخت. همین ترس باعث شد تا این انجمن مذهبی در سال ۱۶۶۳ منحل شود و اعضای باقی‌مانده آن به فرانسه بازگردند. مزونوو تا سال ۱۶۶۵ فرماندار جزیره باقی ماند.

درست است که انجمن مذهبی مونترال نتوانست به اهداف اولیه خود دست پیدا کند اما حاصل کار آن‌ها، قلعه ویل مری به عنوان نطفه نخستین شهر مونترال را به یادگار گذاشت. قلعه‌ای که با جمعیتی اندک، ۲۳ سال در برابر بسیاری از مشکلات مقاومت کرد و کلیسا را در این منطقه صاحب قدرت نمود. امروز «مونترال» که روی بقایای «ویل مری» ساخته شده است، یکی از مهمترین شهرهای کبک و کانادا و حتی آمریکای شمالی است.



جابجایی اثاثیه منزل
حمل از ایکیا واسمبل کردن لوازم
4385034461 5144759066

متین تیره دست

Financial Advisor
at Industrial Alliance

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام و مسکن
- بیمه از کارافتادگی
- حساب های پس انداز و سرمایه گذاری
- برنامه بازتسنگی
- حساب های سرمایه گذاری کودکان

514 690 - 6181

matin.tirehdast@agc.ia.ca
www.ia.ca



با مدیریت دکتر رضا پارسا نژاد

- دعوت نامه اختصاصی اقوام
- تکمیل کلیه فرم ها
- پذیرش دانشگاه با بورس تحصیلی
- امور کنسولی ■ وکالت نامه به ایران ■ ازدواج و طلاق

514 979 - 4551

4055 Ste Catherine O. #131, Westmount, QC, H3Z 3J8



www.mahzar.ca

نیازمندی های ممداد



Erudit
Academy

آکادمی ارودیت

تحقق شغل رویایی شما
با شرکت در یکی از دوره های تخصصی ما



دوره های رایگان

تلفن: ۵۱۴۵۱۳۴۸۳۸

- دوره استارتینگ بزنس (۵ ماه)
- دوره فروش حرفه ای (۹ ماه)
- دوره نمایندگی فروش (۷ ماه)




ICP IMMIGRATION
مهاجرت به کانادا

514-778-9011 موبایل
514-289-9044 دفتر کانادا
514-289-9022 فاکس
021-2289-4567 دفتر تهران
021-8531-2878 تماس مستقیم از ایران

معصومه علی محمدی (بهیمانه)
عضو رسمی شورای مشاوران مهاجرت به کانادا

دکتر انوش عندلیبی
جراح دندانپزشک

کلینیک دندانپزشکی
ویلری



تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷

Métro
De Castelnau



کلاس های گروهی مکالمه انگلیسی
ورک شاپ های ویژه افراد جویای کار و تحصیل

514 991 - 8334

5555 Westminister, Côte-Saint-luc #320, H4W 2J2

NEVER STOP LEARNING

دارالترجمه رسمی

فرهنگ




- ترجمه رسمی کلیه اسناد و مدارک
- گواهی امضا و کپی برابر اصل
- ترجمه شفاهی در محاکم و ادارات
- تکمیل فرمهای مختلف
- اخذ ویزای توریستی

3285 Cavendish Blvd, #355 Montréal, QC, H4B 2L9
Tel: +1-514 916 0083

1650 Maisonneuve West, #202, Montréal, QC, H3H 2P3
Tel: +1-514 691 4383
Email: r.davoudi@farhang.ca

تهران: کارگر شمالی، تقاطع بلوار کشاورز، نبش کوچه گیتی
پلاک ۱۱۷۲، طبقه ۲ واحد ۷
+98-21 6642 1511 / 6694 8154
Email: h.davoudi@farhang.ca

IRAN NDG

نیازمندی های ممداد

514 916-0083



اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید
اشتراک آن را
به دوستان خود پیشنهاد دهید
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک